

بررسی انتظارات متقابل برای مشارکت دولت و بخش خصوصی برای رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری

مورد مطالعه: بخش کشاورزی استان خراسان شمالی

مهدی خداپرست مشهدی^{۱*} - جلال بخت‌آزما^۲ - قاسم ایزانلو^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۴

چکیده

هدف از این مقاله بررسی میزان همکاری دولت و بخش خصوصی برای توسعه کشاورزی از منظر سرمایه‌گذاران بالقوه و تولیدکنندگان موجود است. به این منظور با تعدیل مدل مفهومی جنسن^۴، چارچوب نظری همکاری و توزیع مسئولیت متقابل آن‌ها ارائه شده است تا ابعاد مختلف همکاری استراتژیک بین دولت و بخش خصوصی برای رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری معرفی شوند. برای آزمون درجه این همکاری متقابل در فضای ابعاد مختلف رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری پرسش‌نامه‌ای بین جامعه مدیران و کارکنان کلیدی بنگاه‌های ۱۰-۵۰ کارکن استان خراسان شمالی بخش کشاورزی در شهرهای بجنورد، شیروان و اسفراین توزیع شد و نتایج آن‌ها استخراج گردید. این نتایج حاکی از آن است که ضعف درک متقابل و توأم با همکاری بین بنگاه‌های کشاورزی و دولت باعث شده است که در کلیه استراتژی‌های کلیدی رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری و برنامه‌های عملیاتی آن‌ها؛ بخش خصوصی بیشتر از حد تعادلی از دولت انتظار کمک داشته باشد. این انتظارات اضافی در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری به مراتب بیشتر از انتظاراتی است که در استراتژی‌های تولیدی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: همکاری استراتژیک، برنامه‌های عملیاتی، حکمرانی خوب، موانع اقتصادی و اجتماعی، مدل تعدیل شده جنسن

طبقه‌بندی JEL: L33, E23, E22, H11

مقدمه ۲۱ ۳ ۴

کشورهای در حال توسعه نتوانند از پتانسیل رشد ناشی از این بخش استفاده نمایند. در عوض بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند آمریکا و کانادا نه تنها بخش کشاورزی خود را رونق داده‌اند، بلکه به صورت مختلف سعی کرده‌اند با بررسی فرصت‌های موجود در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه امکان استفاده گسترده‌تری برای بخش کشاورزی خود و بخش کشاورزی آن‌ها فراهم نمایند.

سؤال مهمی که اینک قابل بررسی است این که چرا کشورهای بزرگ فرصت‌های رشد خود را در رشد بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه یافته‌اند، و در پی همکاری بین دولت خود، با بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه هستند و چرا کشورهای در حال توسعه ای مانند ایران برای این قبیل همکاری‌ها چاره‌اندیشی جدی ندارند.

این تحقیق بر آن است که این نکته مهم را واکاوی نماید که آیا در جامعه ما نیز امکان حل مشکل همکاری متقابل بین دولت و

کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌عنوان بزرگترین بخش اقتصادی آن‌ها است. اگر برای افزایش بهره‌وری و نوآوری آن چاره‌اندیشی شود می‌تواند در ایجاد اشتغال، کاهش فقر، و تامین امنیت غذایی نقش مهمی ایفا نماید. البته در این راستا وجود موانع تجاری، ضعف دسترسی به بازار و عدم تکافوی زیرساخت‌ها، تامین ناکافی حقوق مالکیت بر زمین، ضعف در تامین نهاده‌ها، و دسترسی ضعیف به فناوری تولید موجب آن شده است که بسیاری از

۱- استادیار گروه اقتصاد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲ و ۳- کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد

(* نویسنده مسئول: Email: m_khodaparast@um.ac.ir)

(این تحقیق با کمک مالی استانداری خراسان شمالی و با اجرای مهدی خداپرست مشهدی در دانشگاه فردوسی مشهد به ثمر رسیده است.)

ظاهر با رسالت تلاش برای کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه ایجاد شده است. در حالی که نام آن نشان می‌دهد قرار است کشور کانادا دارای توسعه‌ای در حد بین‌المللی باشد. اما این دو پاسخ نیز چندان با یکدیگر مغایر نیز نبوده‌اند و تلاش کشوری بزرگ برای رشد خود از طریق همکاری‌های اقتصادی با بخش خصوصی کشورهای کوچک، برای کشورهای در حال توسعه نیز منافی داشته و دارد. بر اساس مطالعات این موسسه اجماع نظر فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد برای کاهش فقر باید کاری کرد که کوشش‌های توسعه افزا بتوانند بر رشد پایدار دراز مدت در سطوح ملی، منطقه ای و محلی اثرگذار باشند. در چنین شرایطی است که منابع مالی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها فراهم خواهد شد و خواهند توانست برای بهروزی شهروندان خود هزینه نمایند، و در همان حال جامعه خود را در مقابل شوک‌های اجتماعی - اقتصادی و محیطی مقاوم نمایند. وجود اقتصادی پویا و رشد یابنده، فزاینده درآمدها و اشتغال بوده و درآمد افراد و خانوارها را می‌افزاید و در همان حال زمینه ساز مساعدت به افراد فقیرتر را فراهم خواهد ساخت.

تجربه کانادا از رشد پایداری که خود به آن دسترسی یافته است آن که تجارت آزاد و بازارهای آزاد باید با احتیاط مورد استفاده قرار گیرند و تنظیم مقررات نیز بایستی مناسب باشد، و این تجربه به این معنا است که حمایت زیاده‌از حد نالازم بوده و بازارهای رها شده نیز نامفید است. با گسترش بازارهای محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، توانمندسازی مردم در سرمایه‌گذاری و اشتراک دانش، افزایش فرصت‌های تجاری، بهبود قدرت رقابتی بنگاه‌های اقتصادی راه‌های جدیدی برای رشد باز می‌کنند. انجام این اقدامات لطامت برآمده از شوک‌های اقتصادی برون کشوری را نیز می‌کاهند. چرا که در کشورهای کوچک و کشورهای در حال توسعه‌ای که به زمین وابسته‌اند، بخش کشاورزی برای اتصال به بازارهای بزرگتر منطقه‌ای و بین‌المللی با دشواری‌های زیادی روبرو است.

در این راستا لازم است فرصت‌های رشد شناسایی شوند و مجموعه چالش‌های بازدارنده رشد نیز که دامنه رشد اقتصادی بخش خصوصی این قبیل کشورها را محدود می‌کنند معرفی شوند این موارد عبارتند از: (۱) سیاست‌های اثربخش و نهادهای کارساز، (۲) زیرساخت‌های موثر، (۳) نیروهای کار ماهر، (۴) رفع تبعیض و توجه ویژه به بخش کشاورزی.

بر اساس استراتژی منتخب دولت کانادا برای تامین اهداف این موسسه برای توسعه در سطح بین‌المللی^۴ با کمک کشورهای در حال توسعه؛ عناصر کلیدی برای تحقق نرخ بالای رشد پایدار اقتصادی عبارتند از: دولت‌های پاسخگو، بازارهای باز و اثربخش، سرمایه انسانی قابل، برابری فرصت‌ها، و مدیریت محیطی مناسب؛ که اگر این

بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد یا خیر؟ در این راستا فضای همکاری را تعریف کرده و ابعاد و مسئولیت‌های متقابل را روشن نموده است و در میدان عمل؛ درک متقابل از همکاری را ارزیابی کرده است تا بتواند برای نقطه شروع همکاری رهنمود دهنده باشد.

فضا و ابعاد برخی از همکاری‌های بین‌المللی

دولت امریکا در جریان سیاست‌گذاری خود برای آینده؛ مساعدت به بخش کشاورزی بسیاری از کشورهای در حال توسعه را از طریق مساعدت به بخش خصوصی آن‌ها ضروری اعلام می‌کند و حتی تحقق آن را در سیاست خارجی خود نیز دنبال کرده و می‌کند. زیرا برای کشوری مانند امریکا چنین استنباط شده است که بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه برای حضور در فعالیت‌های توسعه افزا آمادگی داشته و برای آینده اقتصادی امریکا کارساز هستند. بنابراین طبیعی است که این دولت "موسسه تامین غذای آینده"^۱ را به این مهم مامور کرده است، زیرا خوب می‌داند که بخش تولیدات کشاورزی کشورهای در حال توسعه دارای قابلیت‌های مهم بوده و فرصت‌های فروش برای آن‌ها وسیع و در حال گسترش است. به همین علت بسیاری از موسسات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه با رهبری این موسسه در امریکا مذاکرات خود را برای همکاری بین این موسسه و بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه آغاز کرده‌اند و برخی از مشارکت‌ها نیز بین این موسسه و دولت امریکا آغاز شده است (نسته توتل^۲ ۲۰۱۲).

در واقع بخش غذا و کشاورزی امریکا رو به رشد و پیچیده است و از اینکه فرصتی استثنایی و قانونمند برای همکاری بخش خصوصی با دولت آن فراهم شده است منفعت زیادی کسب می‌کنند. به‌همین دلیل است که دانشکده‌های کشاورزی، خدمات ترویجی، وزارت کشاورزی همگی شبکه‌ای از تولیدکننده‌گان، بازاربازان، صنایع بسته‌بندی، و مانند آن‌ها را پوشش داده‌اند تا کیفیت غذایی و ایمنی آن‌را بالا ببرند، بهره‌وری را بیافزایند، محیط فعالیت‌های اقتصادی را ایمن کنند و شرایط راحتی را برای کاهش قیمت تمام شده محصولات فراهم آورند (همان ص ۲).

گستره همکاری متقابل دولت و بخش خصوصی در روند توسعه کشاورزی امریکا با توجه به پیچیدگی‌ها و ابعاد آن دشوار به‌نظر می‌رسد ولی ابعاد آن به‌طور کلی مواردی مانند خدمات پژوهشی و ترویجی، نهادهای، تجهیزات کشاورزی، زیر ساخت‌ها، فراوری محصول و بازاربازی را در بر می‌گیرند (نسته توتل^۳ ۲۰۱۲).

" پروژه توسعه بین‌المللی کشور کانادا،"^۴ نیز نهادی است که در

1- Feed the Future: Countries, <http://www.feedthefuture.gov/countries>

2- Johanna Nesselth Tuttle

3- Canadian International Development Agency Project

4-Canadian International Development Agency

و همکاران (۲۰۱۰)^۸. علاوه بر آن بر اساس مطالعه‌ای که توسط آیلی، چتاوی و ویلد^۹ (۲۰۰۶) انجام شده است؛ ۱۲ پروژه‌ای که در مورد تکنولوژی زیستی در کشور کنیا بر اساس مشارکت تعریف شده است، ۵ مورد آن شامل مراکز متعلق به CGIAR، مرکز بین‌المللی بهبود غلات^{۱۰}، مرکز بین‌المللی سیب‌زمینی^{۱۱} و مانند آن بوده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که این مشارکت‌ها جزئی بوده، متکی به اهدا کننده وام است، و دارای هماهنگی اندکی در فرایند اجرایی آن است؛ مهم‌تر اینکه به‌طور عمده نکته شروع آن عمدتاً از طریق کشور آغازگری است که وام داده است و در این فرایند کمتر به طرف مقابل و استفاده کنندگان نهایی وام‌ها توجه داشته‌اند؛ و گستره تاثیر نهایی این وام‌ها بر نوآوری در کشاورزی و کاهش فقر کشورهای میزبان کم بوده است.

ابعاد همکاری‌های مرسوم بین دولت و بخش کشاورزی

- با توجه به پیچیدگی‌هایی که در بخش کشاورزی وجود دارد فهم ابعاد فرایند همکاری متقابل دشوار است اما برخی از تجارب که در توسعه نقش دارند را می‌توان در ابعاد زیر به صورت تقریبی بیان کرد:
- تحقیقات و خدمات ترویجی: توسعه محصولات جدید و روش‌های جدید تولید و آموزش کشاورزان از وظایف نهادهای دولتی مانند دانشگاه‌ها، و وظایف دستگاه‌های اجرایی مانند وزارت کشاورزی است. دانشگاه‌ها بایستی به انجام تحقیقات پایه بپردازند و شرکت‌های خصوصی به فکر انتخاب فناوری‌هایی باشند که امکان تجاری‌سازی آن ایده‌ها را فراهم نمایند. (نسته توتل، ۲۰۱۲:۳).
- نهاده‌ها: شرکت‌هایی که به توسعه بذور مختلف پرداخته و به تامین کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات گیاهی و مانند آن‌ها مبادرت می‌ورزند زمینه ساز رشد موادغذایی بیشتر و بهتر هستند. شرکت‌های دوپونت/ پایونیر^{۱۲}، سینجنتا و مونسانتو^{۱۳} برخی از این قبیل شرکت‌ها هستند.
- تجهیزات زراعی: کشاورزان امریکایی تجهیزات بزرگ و گران‌قیمتی مانند تراکتور، کامباین و مخازن ذخیره خاص به کار می‌برند. اما کشاورزان کشورهای در حال توسعه هنوز از تجهیزاتی استفاده می‌کنند که از نظر مکانیکی چندان مدرن

فرصت‌ها میسر شوند توسعه بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه تقویت خواهد شد و موجبات رشد درآمدی برای خود و کشور کانادا ایجاد خواهد کرد.^۱

همکاری و ابعاد مشارکت

همکاری بین دولت و بخش خصوصی، به‌طور معمول مجموعه همکاری‌های بین نهادهای خصوصی و عمومی را در بر می‌گیرد که شرکاء با همکاری یکدیگر نسبت به برنامه‌ریزی و اجرای مجموعه اهدافی که بر آن توافق دارند همت می‌گذارند و در همان حال در مورد هزینه‌ها، مخاطرات و منافعی که در آن وجود دارند سهیم می‌گردند (اسپیلمن و هارتویچ و جربمر^۲ ۲۰۰۷، لیندر^۳ ۱۹۹۹ و شافر و لاوریچ^۴ ۲۰۰۲).

در بحث توسعه بین‌المللی، واژه مشارکت برای معرفی راه‌های مختلفی که سازمان‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند مرسوم شده است. کارهای مشارکتی به‌طور فزاینده‌ای در سازمان‌های پژوهشی و افرادی که در توسعه روستایی هستند مد شده است. استراتژی‌های مشارکت جویانه در ابعاد ارزیابی دانش بین‌المللی کشاورزی، کاربرد علم و فن برای توسعه، و فرایند اصلاحاتی که در سیستم‌های پژوهشی کشاورزی (مشمتمل بر گروه مشاوره‌ای تحقیقات بین‌المللی کشاورزی^۵) در حال انجام است گسترش یافته است.^۶

عبارت مشارکت و اقدامات مشارکت جویانه بیش از ۱۰۰ بار در اعلامیه پاریس در مورد اثربخشی کمک‌های خارجی تکرار شده است. این واژه بیش از ۲۰۰ بار در چارچوب استراتژی و نتایج برآمده از ویرایش جدیدی که از CGIAR وجود دارد و در کنفرانس جهانی تحقیقات کشاورزی برای توسعه اعلام شده تکرار شده است. اما رویکردهایی که به بررسی و ارزیابی این فرایند پرداخته‌اند در اغلب موارد جزئی و از قبل فرض شده‌اند^۷ و در آن منافع کوتاه‌مدت شرکاء ویژه، انعکاس داشته است. این اطلاعات موجب می‌شود تا محققین، مدیران و سیاست‌سازان برای ارزیابی عملکرد این مشارکت جویی‌ها و طراحی و اجرای آن‌ها برای تحقق اهداف خاص دشوار گردد (هورتون

1-Egypt Program Support Unit

2 -Spielman, Hartwich and Grebmer

3- Linder

4- Schaeffer and Loveridge

5- CGIAR: Consultative Group on International Agricultural Research

6 برای اطلاعات بیشتر به سایت‌های زیر مراجعه شود-

www.agassessment.org

www.cgiar.org

www.egfar.org/egfar

7- ad hoc

8- Douglas Horton, Gordon Prain and Graham Thiele

9- Ayele, Chataway, and Wield

10- International Maize and Wheat Improvement Center

11- International Potato Center

12- DuPont/Pioneer

13- Monsanto

توسعه فعالیت‌های اقتصاد کشاورزی" با همکاری موسسه پژوهشی سبزمینی برای کشاورزان پاکستانی بذره‌های با کیفیت عالی را از کشور هلند تامین کرد و برای آموزش ایشان در تولید، کشت، ذخیره، درجه‌بندی و بازاریابی بذر سبزمینی اقدام نمود. (نسته توتل ۳-۲۰۱۲:۲).

ارزیابی ادبیات موضوع:

مجموعه نوشته‌های بالا گرچه فضای همکاری‌های بین‌المللی را در بین کشورهای درحال توسعه و کشورهای پیشرفته نشان دادند و ابعاد همکاری بین دولت‌های بزرگ و بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه را واکاوی نمودند و در روشنگری علت وجودی همکاری‌های دولت و بخش خصوصی نقش مهمی داشتند اما در موارد زیر پیامی در خور بهره‌گیری ندارند:

- ۱- از ضرورت وابستگی بین تولید و سرمایه‌گذاری که در مسیر زمان چون حلقه‌های زنجیر به هم وابسته‌اند و می‌توانند یکدیگر را تقویت نمایند، سخنی ندارند.
 - ۲- مشخص نیست که بنگاه‌های موجود بخش خصوصی در کشور که به گونه‌ای با هم سروکار اقتصادی دارند؛ مثلاً خرید نهاده یا فروش ستاده یا کمک به فرایند تولید؛ در ارتباط با هم چگونه همکاری ثمربخش می‌توانند داشته باشند.
 - ۳- به‌علاوه این الگوها به مشکلاتی که در درون بنگاه‌ها وجود دارند که ممکن است تا حدی به دولت مربوط باشد هیچ توجهی ندارند.
 - ۴- مهم‌تر اینکه این الگوها سهم وظیفه‌ای دولت و بخش خصوصی را تفکیک نمی‌کند، و بنابراین تا حد زیادی کلی‌گویی است و روشنگری محدودی دارد.
 - ۵- طبیعی است این قبیل نظریه‌ها که خواستگاه بیگانه دارند به بومی‌سازی مفهوم همکاری در سطح درون کشوری کشورهای در حال توسعه بی‌توجه باشند.
- تحقیق حاضر ایرادات بالا را در مدل ارائه داده خود کاسته است.

مواد و روش‌ها

برای پاسخ به سئوالات بالا با توجه به نوع تحقیق که طراحی ساز و کار همکاری بین دولت و بخش خصوصی در یک کشور است، ابتدا کلیات الگوی پیشنهادی در چارچوب نموداری ارائه می‌شود تا اولاً، وابستگی متقابل بین تولید و سرمایه‌گذاری را نشان دهد. ثانیاً؛ ابعاد و فواید همکاری‌های متقابل بین بنگاه‌ها با یکدیگر، و بنگاه‌ها با دولت و مردم را نشان دهد. ثالثاً؛ رفع موانع فرایندهای مدیریت بنگاه و بازار، را به همراه رفع موانع جذب نیروی کار کیفی و سرمایه که مشکل عمده بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی و کشاورزی است را

نیستند. شرکت‌هایی مانند جان دیر^۱ هنوز این آمادگی را دارند که تجهیزاتی ارزان‌تر را برای افزایش تولید و بهره‌وری کشورهای در حال توسعه ارائه نمایند.

زیرساخت‌ها: راه‌ها، تسهیلات انبارداری، حمل و نقل و کانتینرهایی که برای محصولات آسیب‌پذیر مانند سبزیجات کاربرد دارند نقش مهمی در کمک به کشاورزان برای افزایش ظرفیت برآمده از سرمایه‌گذاری‌های مالی و انسانی دارند. با توجه به خسارات پس از برداشت محصول که در برخی از موارد به ۳۰ درصد می‌رسد گاهی حتی سرمایه‌گذاری اندکی که در زیر ساخت‌ها انجام می‌شود امکان کسب منافع زیادی را میسر می‌سازد. زیرساخت‌ها به طور عمده کالایی عمومی بوده و دولت‌های میزبان هماهنگ با شرکت رافع چالش‌های هزاره MCC^2 و دیگر شرکت‌های اهدا کننده؛ حجم عظیمی از این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها را در این حوزه‌ها انجام می‌دهند. البته موارد استثنایی از همکاری بخش خصوصی و عمومی در این حوزه‌ها وجود دارد. اما بانک جهانی نقش عمده‌ای در این جهت ایفا می‌نماید. چین خود سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای را در راه‌ها و دیگر زیرساخت‌های خود هزینه کرده است که در نهایت سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی خود را افزایش خواهد داد.

فرآورده‌های غذایی و بازاریابی: وقتی مواد غذایی از مزرعه به بازار هدایت می‌شود باید کارهای زیادی روی آن انجام شود تا مورد استفاده بشر امروزی قرار گیرد. رویکردهای نوین در فراوری، بسته‌بندی و بازاریابی محصولات، ارزش خرده‌فروشی و پتانسیل صادرات آن‌ها را بالا می‌برد. برخی از شرکت‌ها مانند پیسی کولا و والمارت^۳ در جهت اتصال بنگاه‌های کوچک با یکدیگر و تقویت قابلیت فراوری و ذخیره‌سازی آن‌ها می‌کوشند تا کیفیت کالاهای تولیدی را افزایش دهند، تا کشاورزان به درآمدهای بالاتری برسند و مغازه‌های خرده‌فروشی با تنوع بیشتری کالاهای باکیفیت را عرضه نمایند.

اگر تمامی این موارد بررسی پذیر شوند، شرکت‌های خصوصی بیشتر در توسعه کشاورزی سهیم می‌شوند، و اهداف توسعه بخش کشور را به صورت مختلف به‌طور همزمان تامین می‌کنند. مثلاً تخصص فنی و مالی خود را در اختیار کشاورزان قرار می‌دهند تا امنیت غذایی و درآمد و تغذیه مردم به صورت بهتری تامین شود. علاوه بر آن به مرور که این شرکت‌ها یاد می‌گیرند که چگونه در بازارهای نوظهور فعالیت نمایند، به بصیرت‌ها و اعتبار و سرقفلی‌های بالاتری دست می‌یابند و اهداف تجاری و سرمایه‌گذاری‌های جدیدی در مقابل آن‌ها گشوده می‌شود؛ برای نمونه "برنامه‌های کمک امریکا برای بهبود و

1- John Deere

2- Millennium Challenge Corporation

3- Walmart

آرمانی توسعه، و استراتژی آرمانی مشخص می‌سازد.

ب - معرفی متغیرهای الگوی تحقیق

متغیرهایی که در این الگو مورد استفاده قرار گرفته‌اند و مبنای طرح سئوالات ۴۴ گانه بوده‌اند عبارتند از:

رفع موانع حاکمیت خوب دولتی در ابعاد:

الف) حمایت متقابل دولت و بنگاه کشاورزی؛ که خود شامل ضعف انگیزه نوآوری و شکوفایی در اقتصاد کشاورزی و خدماتی، عدم اطمینان برای ثبات برنامه‌های اخذ وام بانکی از نظام بانکی و عدم هر گونه تبعیض، و ضعف تعریف دقیق از ارتباط دولت و بخش خصوصی در صنعت، کشاورزی و خدمات مرتبط می‌باشد.

ب) حمایت متقابل بنگاه‌ها از یکدیگر؛ که خود شامل ضعیف بودن ارتباطات دستگاه‌های اجرایی محلی با بنگاه، وجود سازوکارهای وارداتی مخرب برنامه‌های تولیدی، و ضعف وجود تشکل‌های اقتصادی قوی در فضای رقابتی با یکدیگر می‌باشد.

ج) حضور حاکمیت اثربخش در بنگاه‌ها؛ شامل ضعف امکان تعامل سازنده با نیروهای کار و سهامداران، ضعف امکان برنامه‌ریزی مشارکتی در فضای بنگاه و ضعف انگیزه در نیروهای کار برای ارائه خدمات کارآمد و مفید.

رفع موانع تامین آگاهی اجتماعی و همراهی مشتریان؛ در ابعاد:

الف) تمایل و توانایی مردم برای خرید از داخل؛ که خود شامل ضعف آگاهی‌های مردمی در ضرورت تقویت و حمایت از تولیدات داخلی، کمبود وجود فرصت‌های سودآوری زیاد در بخش‌های تولیدی و ضعف انسجام ملی برای تولید و تجارت جهانی برای رفاه همه می‌باشد.

ب) انسجام بنگاه‌ها در رقابت کیفی با خارج؛ که شامل ضعف آگاهی از خدماتی که دولت ممکن است برای بنگاه‌ها منظور کرده باشد، ضعف برنامه‌های اقتصادی گروه‌های منسجم تولیدی در بخش خصوصی و ضعف همکاری اجتماعی - سیاسی بین بنگاه‌های خصوصی برای رشد تولیدات داخلی است.

ج) ارتباط دائمی و مثبت با مردم برای حفظ بازار؛ که شامل ضعف شرکا در فهم مسائل توسعه اقتصادی - اجتماعی بایسته و توجه به بورس بازی، ضعف بنگاه‌های موجود در ایجاد تقاضا و تامین درآمد پایدار برای خود و ضعف فرهنگ تولیدی در کشاورزان و کارگران و کارمندان شاغل در بنگاه‌های کشاورزی می‌باشد.

رفع موانع فرایندهای مدیریت بنگاه و بازاررسانی محصول؛ در

ابعاد:

الف) هم‌سازی با برنامه‌های توسعه ملی؛ شامل: ابهام در مسیر

معرفی نماید؛ و رابعا؛ با معرفی ۴۴ سؤال برای ۴ سؤال اصلی تحقیق امکان بومی شدن راه حل را از مطالعه میدانی فراهم نماید. این قسمت با معرفی ریز متغیرهای تحلیل که توضیح کاملتر عناصر نمودار (۱) است خاتمه می‌یابد. این پژوهشگران سپس روشی را برای تسهیم سهم دولت و بخش خصوصی ارائه می‌دهند تا حوزه مسئولیت هر کدام (دولت و بخش خصوصی) برآورد پذیر شود، و با تمسک به مطالعه جامعه آماری و نتایج میدانی برآمده از آن، مشخص خواهد شد که نتایج نظریه حاضر که طراحی ساز و کار همکاری متقابل است، در میدان عمل از منظر بنگاه‌های کشاورزی موجود چگونه ارزیابی می‌شوند.

الف - طراحی چارچوب مفهومی همکاری دولت و بخش خصوصی بومی

با توجه به مباحث بالا به نظر می‌رسد شاید نحوه تعامل دولت و بنگاه‌های بخش کشاورزی بومی ایران ناکافی بوده و یا ابعادی از نیاز متقابل در آن معرفی نشده است، تا نتیجه مطلوب به دست آید. برای اینکه همکاری دولت و بخش خصوصی دارای الگویی در خور باشد لازم است چهار سؤال اساسی زیر پاسخ داده شود:

- ۱- آیا فضای حاکمیت خوب دولتی برای همکاری بین بخش دولتی و خصوصی به درستی تعریف شده است؟
- ۲- آیا موانع آگاهی اجتماعی برای تقاضای کالاهای داخلی رفع شده است؟
- ۳- آیا موانع فرایند تولید رفع شده است؟
- ۴- آیا موانع پیش روی فرایندهای سرمایه‌گذاری رفع شده‌اند؟

دو سؤال اول زیرساخت بحث را برای رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری مهیا می‌سازند و دو سؤال بعدی به صورت خاص سازه‌های تشکیل دهنده موانع تولید و سرمایه‌گذاری را به‌طور خاص در بخش کشاورزی با مصادیق ذکر شده در بالا، رفع پذیر نشان می‌دهند.

کلیت چارچوبی که قرار است متغیرهای الگوی همکاری‌های بومی بین دولت و بخش خصوصی در آن شکل گیرد به صورت نمودار شماره (۱) نشان داده می‌شود. این نمودار دارای ویژگی‌های زیر است: اولاً؛ ارتباط تولید و سرمایه‌گذاری را به عنوان استراتژی آرمانی کشور نشان می‌دهد. ثانیاً؛ اهداف آرمانی توسعه اقتصادی را در چارچوب چهار سؤال تحقیق واکاوی می‌نماید، و ارتباط آن‌ها را با استراتژی آرمانی نشان می‌دهد. ثالثاً؛ عوامل کلیدی موفقیت را برای تک تک سئوالات این تحقیق بر می‌شمرد، و ارتباط شاخه ای آن‌ها را با رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد. و رابعا؛ شاخص‌های سنجش موانع را برای هر یک از عوامل کلیدی موفقیت، اهداف

ج - روشی برای مشخص سازی سهم دولت و بخش خصوصی برای همکاری متقابل

در این الگو لازم است با توجه به تعریفی که از حوزه تئوریک وظایف دولت و بخش خصوصی موجود است، راهی برای معرفی حجم مسئولیت‌های متقابل پیدا شود. اگر هر کدام حوزه مسئولیتی خود را خوب انجام دهند، امور کلان مانند امور حاکمیت دولت به طور عمده بر عهده دولت بوده و امور خرد بنگاه‌ها به‌طور عمده بر عهده خود ایشان است. مسائل بین این دو نیز در همین چارچوب به ترتیب درجه اهمیت مسئولیت عمومی و مسئولیت خصوصی قابل سهم‌بندی است. در چنین حالتی نمودارهای شماره (۲) و (۳) با کمک هندسه تحلیلی حوزه وظیفه‌ای و حجم مسئولیتی هر کدام از بخش عمومی و خصوصی را تفکیک پذیر نموده‌اند. در این چارچوب حجم مسئولیت هر کدام از این دو بخش در هر یک از چهار سؤال اصلی تحقیق به شرح جدول شماره (۱) خواهد بود.

رفع موانع حاکمیت خوب دولتی، رفع موانع تامین آگاهی اجتماعی، رفع موانع فرایندهای تولید و رفع موانع فرایندهای سرمایه‌گذاری؛ مهم‌ترین وظایفی است که در الگوی همکاری بین دولت و بخش خصوصی باید در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری کرد.

به این ترتیب بر اساس نمودار شماره (۲)؛ ۸۷/۵ درصد از خدمات حاکمیت خوب، ۶۲/۵ درصد از خدمات تامین آگاهی اجتماعی برای حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری؛ ۳۷/۵ درصد، از خدمات رفع موانع فرایند تولید؛ و ۱۲/۵ درصد از خدمات رفع موانع سرمایه‌گذاری از وظایف دولت است. این نسبت‌ها کاهنده‌اند، و هر چه سهم دولت کمتر می‌شود، وظایف بخش خصوصی افزایش خواهد داشت. همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد؛ این نسبت‌ها برای بخش خصوصی به‌ترتیب، ۱۲/۵؛ ۳۷/۵؛ ۶۲/۵ و ۸۷/۵ درصد هستند که حکایت از افزایش مسئولیت این بخش برای تولید و سرمایه‌گذاری است.

در مرحله بعدی هر یک از اهداف آرمانی چهارگانه در بالا نیازمند ابزار و عوامل موفقیت در مراحل ماقبل، حین و مابعد جریان تولید و سرمایه‌گذاری هستند که تقسیم وظیفه‌ای هر کدام از آن‌ها در چارچوب نمودار شماره (۳) توزیع پذیر شده است. مراحل سه‌گانه مذکور مشتمل بر سه گروه توزیع وظیفه‌ای بین دولت و بنگاه‌های بخش خصوصی بر اساس توضیحات زیر است:

گروه اول وظایفی است که صرفاً بر عهده دولت است، و بخش خصوصی در آن نقش اندکی دارد. این وظایف به‌طور عمده الزامات ماقبل شروع به فعالیت را پوشش می‌دهند. گروه دوم مجموعه وظایفی است که نیمه دولتی و نیمه خصوصی است. در این مجموعه وظایف هم دولت و هم بخش خصوصی به اندازه هم مسئولیت دارند. گروه سوم وظایفی است که صرفاً مجموعه وظایف بخش خصوصی است و بخش عمومی در آن وظیفه اندکی دارد.

تولیدات آتی کشور و استان برای انتخاب نوع و حجم سرمایه‌گذاری، ضعف زیر ساخت‌های توسعه و پژوهش، حمل و نقل، ارتباطات، اطلاعات و فناوریهای جدید، ضعف سیستم قضایی مستقل و مدافع اقتصاد و توسعه همه‌آحاد جامعه، افزایش ثروت ملی و ضعف مساعدت برای معرفی طرح ایده‌ها و پروژه‌های جدید همراه با نقشه کار به افراد و ضعف اطمینان از امکان رقابتی صدور و ورود کالا و سرمایه و رفع موانع تجاری؛

ب) ارتباط داده ستاده‌ای با شبکه‌های مکمل؛ که شامل: ضعف دارائی‌های سرمایه‌گذاران و ضعف فرهنگ سرمایه‌گذاری مردم برای خرید سهام، ضعف فرهنگ کار و تولید و سرمایه‌گذاری و ارتقای کیفیت در سازمان‌های داخلی، ضعف فرهنگ مشارکتی و تعاون در بین نهادهای اقتصادی مکمل یکدیگر و ضعف بنگاه‌های تولیدی در مقایسه با بنگاه‌های کمتر مولد و سودآورتر است.

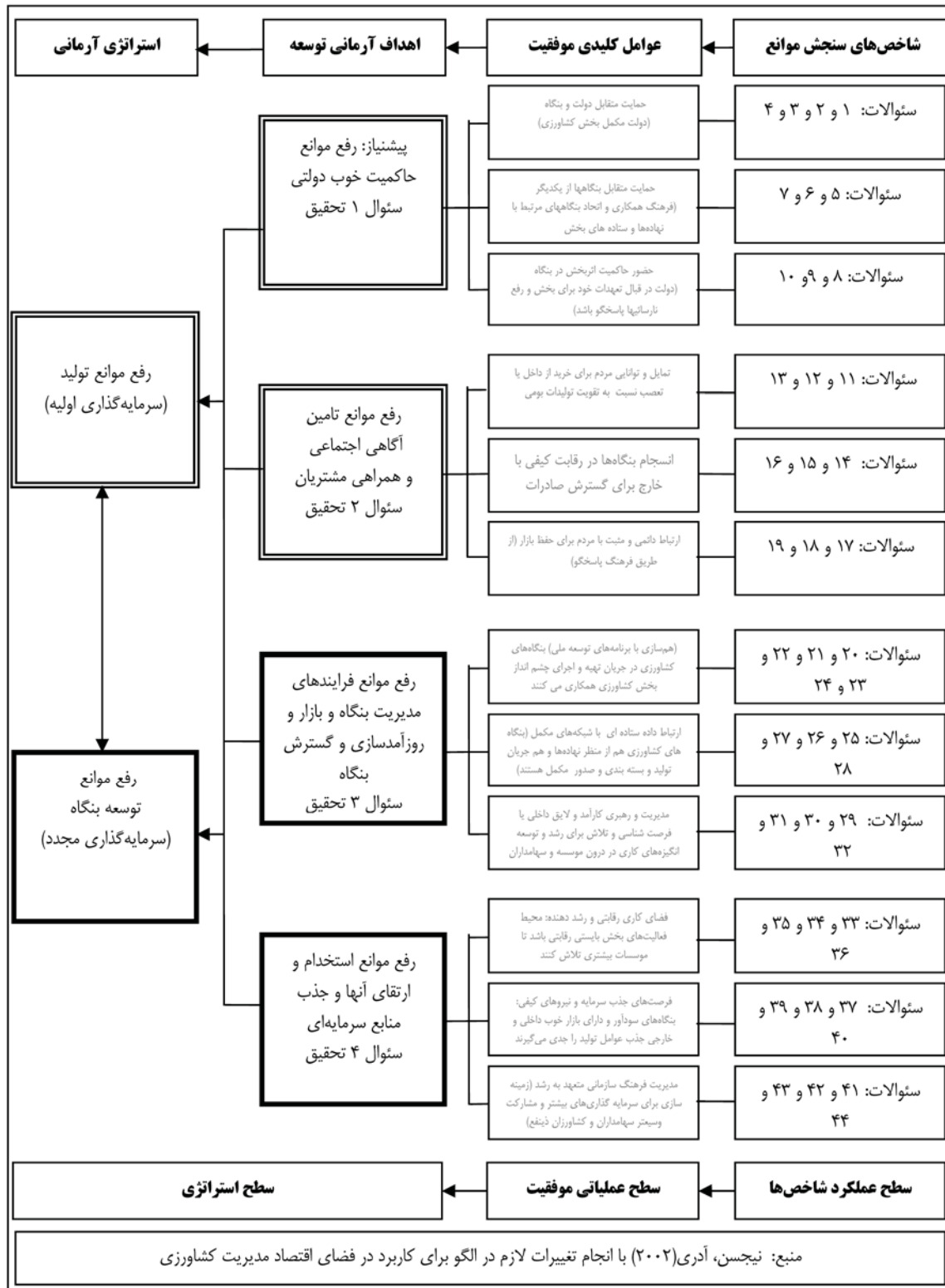
ج) مدیریت و رهبری کارآمد و لایق داخلی؛ که شامل ضعف در گردآوری اطلاعات و ارزیابی بازار برای سرمایه‌گذاری، ضعف تخصصی برای توسعه فعالیت‌های بازار پسند و رشد یابنده، ضعف ظرفیت خدمات اداری و تخصصی برای تولید و سرمایه‌گذاری و ضعف آمادگی بنگاه برای مخاطره‌پذیری و ریسک جدید است.

رفع موانع استخدام و ارتقای نیروهای کارآمد و جذب منابع سرمایه‌ای؛ در ابعاد:

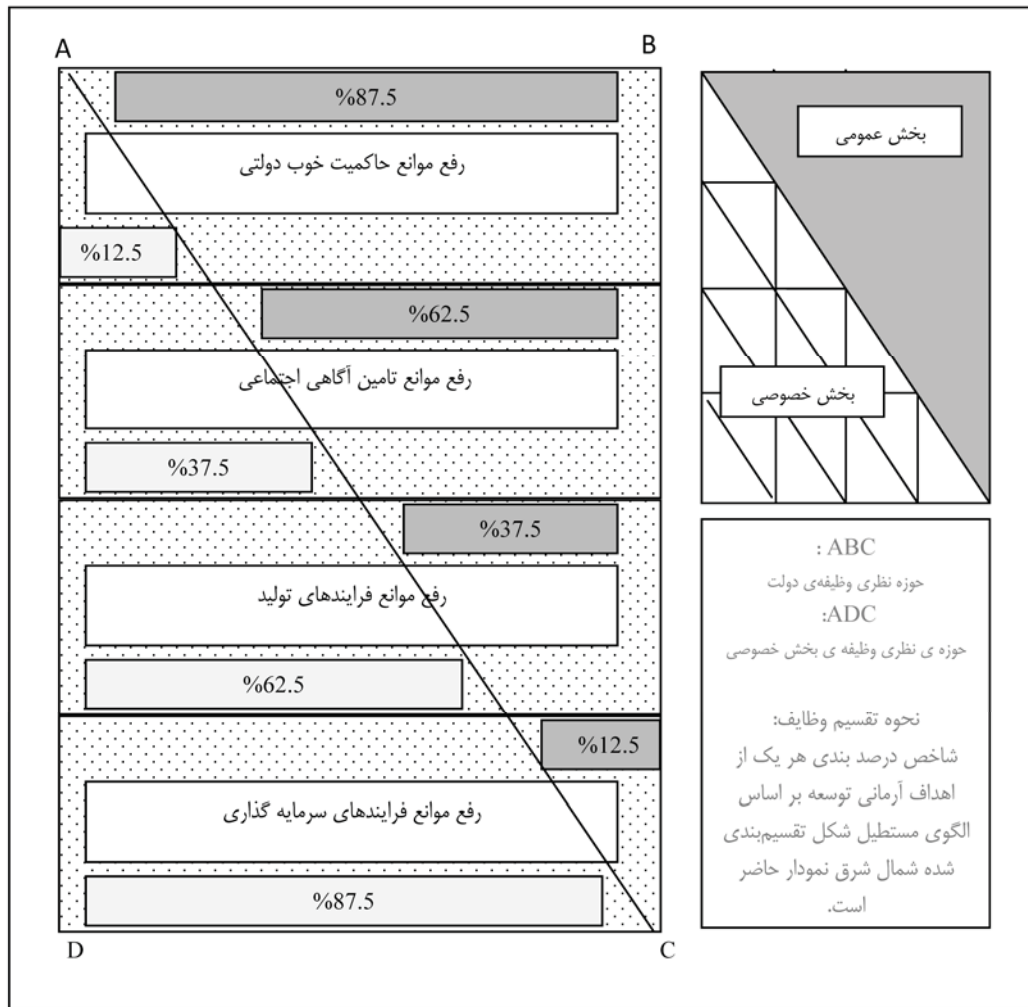
الف) فضای کاری رقابتی و رشد دهنده؛ که شامل ضعف قانون کار برای تنبیه کارگران کم کار و طرد آنها از محیط کار، ضعف فرصت‌های بازار سرمایه برای کسب منابع مالی به صورت رقابتی، ضعف فرصت‌های آموزشی و اطلاعات جدید برای مدیران و کارکنان در سطح بالا و ضعف ارتباطات موفق بخش خصوصی برای هم‌سازی محلی، منطقه‌ای و ملی توسعه افزا می‌باشد.

ب) فرصت‌های جذب سرمایه و نیروهای کیفی؛ شامل کمبود نیروهای کار ماهر و با انگیزه برای استخدام در جامعه، ضعف شبکه‌بندی اطلاعاتی توسعه بازار و فناوری‌های پیشرفته در بین بنگاه‌های گروه، مقاومت کارگران و کارکنان و نیروهای تخصصی در برابر نوآوری و تغییر و ضعف فرهنگ کار تیمی یا فرهنگ مشارکت در سرمایه‌گذاری در جامعه است.

ج) مدیریت فرهنگ سازمانی متعهد به رشد؛ که شامل ضعف انگیزشی کشاورزان و کارمندان برای ارائه کار کیفی و درازمدت، ضعف توانایی بنگاه برای جذب منابع مالی درون سازمانی از محل سهام یا سودهای قبل، ضعف تمایل کشاورزان به کسب دانش‌های جدید و سرمایه‌گذاری در آن‌ها و ضعف امکان به کارگیری کشاورزان و کارگران موجود به صورت کارآمد می‌باشد.



نمودار ۱- معرفی ابعاد و شاخص‌های همکاری دولت و بخش خصوصی بومی برای رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری



منبع: الگوی نظری تحقیق

نمودار ۲- مقایسه نظری ابعاد و حجم خدمات دولت و بخش خصوصی در اهداف آرمانی توسعه

د - آزمون

در این بخش نظریه طراحی شده در مطالعه میدانی به بوته آزمون گذاشته می‌شود؛ تا براساس نمودار (۱)، هم تمام موانعی که در ابعاد استراتژی، اهداف آرمانی توسعه، عوامل کلیدی موفقیت برای رشد تولید و سرمایه‌گذاری وجود دارند، مشخص شوند و هم با معرفی شاخص‌های سنجش موانع؛ سطح عملکرد فعلی شاخص‌ها نیز سنجش‌پذیر گردند و امکان مقایسه آن‌ها با الگوی ایده آل (تعادل پیشنهادی جدول ۱) فراهم گردد. در نتیجه امکان اصلاح رفتاری لازم برای رفع موانع استراتژیک تولید و سرمایه‌گذاری در چارچوب این قرارداد اجتماعی پیشنهاد پذیر می‌شود.

ه - جمع آوری داده‌ها

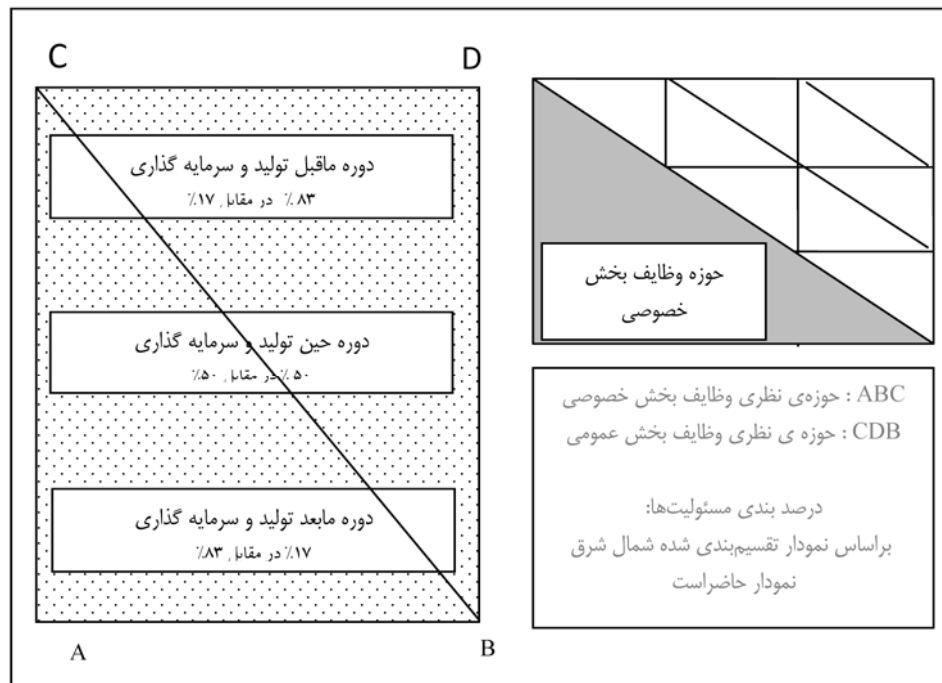
جامعه آماری در این تحقیق شرکت‌های تولیدی دارای ۱۰-۵۰

معرفی این وظایف و ریز متغیرهایی که در هر کدام از این وظایف جای می‌گیرند موانع تولید و سرمایه‌گذاری را هم از منظر وظایف دولت و هم از منظر کارآفرینان اقتصادی واکاوی خواهند کرد. امکان نرمال کردن سهم هر یک از عوامل (دولت و بخش خصوصی) در جداول (۲) و (۳)؛ محدود به هر یک از اهداف چهارگانه آرمانی بود، اما اینک این فرایند نرمال‌سازی برای تک تک اهداف و وظایف استراتژیک هر بنگاه نیز میسر شده و نتایج آن‌ها در جدول شماره (۱) محاسبه و ارائه شده است. در این جدول، درصد مسئولیت‌های متقابل برای هر یک از بخش‌های دولتی و خصوصی در حالت تعادلی (طبق چارچوب نظری) بر اساس مفاهیم نمودارهای ۱ و ۲ و ۳ نرمال‌سازی و سهم بندی می‌شوند.

بر اساس تقسیم نظری مسئولیت‌ها در بالا چارچوبی به‌دست آمد که می‌توان وضع موجود را با آن مقایسه پذیر کرد.

گرفته شده و پرسش‌نامه‌ها در بین تمامی واحدها تقسیم شده، عملاً به جای نمونه‌گیری از سرشماری استفاده شده و تک تک جامعه آماری ۲۲ واحدی کشاورزی مدرن مورد بررسی قرار گرفته است.

کارکن در استان خراسان شمالی هستند که در شهرهای بجنورد، شیروان و اسفراین قرار دارند. از آنجا که در این پژوهش تمامی موارد جامعه مورد بررسی قرار



منبع: نتایج نظری تحقیق

نمودار ۳- مقایسه نظری ابعاد و حجم خدمات دولت و بخش خصوصی در هر یک از سئوالات تحقیق

جدول ۱- نمایش محتوای سئوالات تحقیق در چارچوب همکاری دولت و بخش خصوصی در جریان هدف‌گذاری و اجرای مشترک پروژه‌های

تولیدی و سرمایه‌گذاری مفید برای توسعه کشور

ابعاد استراتژیک	اهداف آرمانی	ابعاد همکاری قرارداد استراتژیک	دولت	خصوصی
	رفع موانع حاکمیت خوب دولتی	ماقبل	۷۳٪	۲۷٪
		حین	۴۳٪	۵۷٪
		مابعد	۱۵٪	۸۵٪
رفع موانع تولید	رفع موانع تامین آگاهی اجتماعی و همراهی مشتریان	میانگین سهم مسئولیت در اجرای استراتژی اول	۴۳٪/۶۵٪	۵۶٪/۳۵٪
		ماقبل	۵۲٪	۴۸٪
		حین	۳۱٪	۶۹٪
	رفع موانع فرایندهای مدیریت بنگاه و بازاررسانی	مابعد	۱۱٪	۸۹٪
		میانگین سهم مسئولیت در اجرای استراتژی دوم	۳۱٪/۳۴٪	۶۸٪/۶۶٪
		ماقبل	۳۱٪	۶۹٪
	رفع موانع سرمایه‌گذاری	حین	۱۹٪	۸۱٪
		مابعد	۶٪	۹۴٪
		میانگین سهم مسئولیت در اجرای استراتژی سوم	۱۸٪/۶۶٪	۸۱٪/۳۴٪
	رفع موانع استخدام، جذب سرمایه و نیروهای کارآمد	ماقبل	۱۰٪	۹۰٪
		حین	۶٪	۹۴٪
		مابعد	۲٪	۹۸٪
		میانگین سهم مسئولیت در اجرای استراتژی چهارم	۶٪	۹۴٪

ماخذ: الگوی نظری تحقیق

زمان سرشماری سال ۱۳۸۷ است.

در ضمن با توجه به اصول حاکم بر تدوین پرسش‌نامه‌ها، سعی بر این بوده است که پرسش‌های هر بخش از پرسش‌نامه در نهایت دقت طوری تنظیم شود که:

اولا کارشناسان و متخصصان فن در باره ارتباط علمی آن‌ها با رتبه‌بندی خصوصیت مورد مطالعه اتفاق نظر داشته باشند. ثانيا همه پرسش‌های مربوط به یک بخش به یک خصوصیت ارتباط داشته و منعکس کننده و یا معرف فقط آن خصوصیت باشند.

به همین دلیل این پرسش‌نامه‌ها و ابعاد آن‌ها برای کارشناسان ذیربط ارائه شده است تا فهم مشترکی بین محققان و افراد صاحب نظر برقرار باشد. این کار از طریق واکنش‌های کارآفرینان اقتصادی و توجه به نظرات آنها امکان‌پذیر شد.

نتایج و بحث

در این مقاله دو استراتژی آرمانی رفع موانع تولید و رفع موانع سرمایه‌گذاری با اهداف آرمانی چهارگانه نمودار ۱ مورد بررسی قرار گرفتند تا مشخص شود زمینه‌های همکاری و مشارکت متقابل تا چه حد بر درک نظری درستی از توزیع وظایف و مسئولیت‌های متقابل استوار است. نتایج حاصله به شرح زیر است:

نتایج استراتژی رفع موانع تولید

استراتژی آرمانی رفع موانع تولید مستلزم اجرای دو هدف آرمانی "رفع موانع حاکمیت خوب دولتی" و "رفع موانع اجتماعی مشتریان" در بنگاه‌های بخش کشاورزی است. بر اساس یافته‌های تحقیق در جدول شماره (۲) سهم دولت در اجرای استراتژی اول، "رفع موانع حاکمیت خوب دولتی"، به شرح زیر است:

اجرای این استراتژی نیاز به اجرای برنامه‌های عملیاتی اول تا سوم دارد، که عبارتند از: ۱- حمایت متقابل دولت و بنگاه، ۲- حمایت متقابل بنگاه‌ها از یکدیگر، و ۳- حضور حاکمیت اثربخش در بنگاه. به نظر عاملان تولید؛ سهم دولت در اجرای این اهداف آرمانی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۶ و ۰/۵۶ بوده است. در واقع بخش خصوصی پذیرفته است که در برنامه‌های عملیاتی استراتژی اول؛ سهم دولت در برنامه‌های عملیاتی اول، که دوره ماقبل تولید را ساماندهی می‌کند؛ بیشتر از برنامه‌های عملیاتی دوم است که در دوره حین تولید موضوعیت دارد؛ همین‌طور بیشتر از برنامه‌های عملیاتی سوم است که ویژه دوره مابعد تولید است. مقایسه این ارقام با ارقام تعادلی که به ترتیب عبارتند از: ۰/۷۳، ۰/۴۳ و ۰/۱۵ حاکی از آن است که بنگاه‌های کشاورزی استان خراسان شمالی در روند اجرای اهداف آرمانی اول به ترتیب: ۰/۳، ۰/۲۳ و ۰/۴۱ انتظار اضافی از دولت دارند.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سهم دولت در اجرای هدف آرمانی دوم؛ "رفع موانع اجتماعی حضور مشتریان در بازار داخلی"، در بنگاه‌های بخش کشاورزی نیاز به اجرای برنامه‌های عملیاتی چهارم تا ششم دارد. در این راستا سهم دولت در برنامه‌های عملیاتی چهارم "تمایل و توانایی برای خرید از داخل"، و برنامه عملیاتی پنجم "انسجام بنگاه‌ها در رقابت با خارج"، و برنامه عملیاتی ششم "ارتباط دائمی با مردم (بازاریابی)؛" به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۶۶ و ۰/۵۵ بوده است. در این حالت نیز بخش خصوصی پذیرفته است که سهم دولت در برنامه‌های عملیاتی چهارم، که دوره ماقبل تولید را ساماندهی می‌کند؛ بیشتر از برنامه‌های عملیاتی پنجم است که در دوره حین تولید موضوعیت دارد؛ همین‌طور بیشتر از برنامه‌های عملیاتی ششم است که ویژه دوره مابعد تولید است. مقایسه این ارقام با ارقام تعادلی که به ترتیب عبارتند از: ۰/۵۲، ۰/۳۱ و ۰/۱۱؛ حاکی از آن است که بنگاه‌های کشاورزی این استان در روند اجرای استراتژی دوم به ترتیب: ۰/۲۱، ۰/۳۵ و ۰/۴۴ انتظار اضافی از دولت دارند.

نتایج استراتژی رفع موانع سرمایه‌گذاری

این استراتژی آرمانی مستلزم اجرای دو هدف آرمانی "رفع موانع مدیریت و بازاریابی محصول" و "رفع موانع استخدام عوامل تولید" در بنگاه‌های بخش کشاورزی است.

اجرای این استراتژی نیاز به اجرای برنامه‌های عملیاتی هفتم تا نهم دارد، که به ترتیب عبارتند از: "همسازي با برنامه‌های توسعه ملی"، "ارتباط داده - ستاده‌ای مکمل" و "مدیریت و رهبری کارآمد و لایق". به نظر عاملان تولید؛ سهم دولت در اجرای این استراتژی‌ها به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۵۸ و ۰/۶۲ بوده است. در واقع بخش خصوصی پذیرفته است که در برنامه‌های عملیاتی هدف سوم؛ سهم دولت در برنامه‌های عملیاتی هفتم، که دوره ماقبل تولید را ساماندهی می‌کند؛ بیشتر از برنامه‌های عملیاتی هشتم است که در دوره حین تولید موضوعیت دارد؛ اما نپذیرفته است که سهم برنامه‌های عملیاتی نهم که ویژه دوره مابعد تولید است در کمترین مقدار خود باشد. مقایسه این ارقام با ارقام تعادلی که به ترتیب عبارتند از: ۰/۳۱، ۰/۱۹ و ۰/۰۶؛ حاکی از آن است که بنگاه‌های کشاورزی این استان در روند اجرای استراتژی سوم به ترتیب: ۰/۵۰، ۰/۳۹ و ۰/۵۶ انتظار اضافی از دولت دارند.

بعلاوه یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سهم دولت در اجرای هدف چهارم؛ "رفع موانع استخدام عوامل تولید مانند کار و سرمایه"، در بنگاه‌های بخش کشاورزی نیاز به اجرای برنامه‌های عملیاتی دهم تا دوازدهم دارد. در این راستا سهم دولت در برنامه‌های عملیاتی دهم "فضای کاری رقابتی در داخل بنگاه"، و برنامه عملیاتی یازدهم "فرصت‌های جذب سرمایه و نیروی کار"، و برنامه عملیاتی

انتظارات بنگاه‌های بخش خصوصی از دولت به جای کاهش بودن که انتظار نظری تحقیق است؛ فراینده‌اند.

مقایسه میانگین‌های استراتژی آرمانی رفع موانع تولیدی ۲۸ درصد و استراتژی آرمانی رفع موانع سرمایه‌گذاری ۴۱/۵ درصد؛ نشان دهنده این نکته است که بخش بنگاه‌های تولیدات کشاورزی برای رفع موانع سرمایه‌گذاری بیشتر از رفع موانع تولیدی از دولت انتظار مساعدت اضافی دارد. در حالی که از منظر نظری بخش خصوصی در رفع موانع سرمایه‌گذاری‌ها باید بیشتر از دولت مسئولیت پذیر باشد.

به نظر می‌رسد بخش کشاورزی خصوصی در اقتصاد استان خراسان شمالی، هنوز به اصول مشارکت و تقسیم اولیه وظایف یک بنگاه اقتصادی در روند همکاری با دولت آگاه نیست و همواره از دولت انتظار کمک اضافی دارد. بعلاوه تصور آن‌ها این است که دولت حتی در تمامی وظایف عمده بخش خصوصی مانند بازاریابی یا رفع موانع استخدام عوامل نیز باید به آن‌ها کمک نماید. بنابراین در این زمینه باید آگاهی‌های بنگاه‌های کشاورزی را از وظایف دولت افزایش داد، و زمینه‌های اجرای برنامه‌های توجیهی همکاری دولت و بخش خصوصی را فراهم ساخت، تا بخش کشاورزی استان سهم بیشتری در رشد و شکوفایی اقتصاد استان ایفا نمایند.

دوازدهم "فرهنگ سازمانی متعهد به رشد"؛ به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۵۳ و ۰/۵۴ بوده است. در این حالت بخش خصوصی پذیرفته است که سهم دولت در برنامه‌های عملیاتی دهم، که دوره ماقبل تولید را ساماندهی می‌کند؛ بیشتر از برنامه‌های عملیاتی یازدهم است که در دوره حین تولید موضوعیت دارد؛ اما نپذیرفته است که برنامه‌های عملیاتی دوازدهم که ویژه دوره مابعد تولید است باید در کمترین حجم خود باشد. مقایسه این ارقام با ارقام تعادلی که به ترتیب عبارتند از: ۰/۱۰، ۰/۰۶ و ۰/۰۲؛ حاکی از آن است که بنگاه‌های کشاورزی این استان در روند اجرای استراتژی چهارم به ترتیب: ۰/۴۹، ۰/۴۷ و ۰/۵۲ انتظار اضافی از دولت دارند.

مقایسه انتظارات بخش خصوصی از دولت

با توجه به نتایج استخراج شده از پرسش‌نامه‌ها که در جدول شماره (۲) وجود دارد. میانگین انتظارات اضافی بخش خصوصی از دولت در هدف آرمانی اول (رفع موانع حاکمیت خوب دولتی) ۲۲ درصد است و در هدف آرمانی دوم (رفع موانع اجتماعی مشتریان)، ۳۴ درصد است. انتظارات اضافی در هدف آرمانی سوم نیز (رفع موانع مدیریت و بازار رسانی محصول) ۳۴ درصد و در هدف آرمانی چهارم (رفع موانع استخدام عوامل تولید) ۴۹ درصد است. به عبارت دیگر

جدول ۲- مقایسه عملکرد واقعی با عملکرد درست بخش عمومی و خصوصی برای هر کدام از استراتژی‌ها، اهداف و برنامه‌های عملیاتی؛ سئوالات اول و دوم و سوم و چهارم تحقیق

رسالت‌های آرمانی	اهداف یا سئوالات تحقیق	برنامه‌های عملیاتی	انتظارات نظری (تعادلی)		انتظارات اعلام شده		انتظارات اضافی بخش خصوصی از دولت نسبت به حالت تعادلی	
			دولتی	خصوصی	دولتی	خصوصی		
موانع تولید اجتماعی مشتریان	۱- رفع موانع حاکمیت خوب دولتی	۱ ماقبل ۲ حین ۳ مابعد	۷۳٪ ۴۳٪ ۱۵٪	۲۷٪ ۵۷٪ ۸۵٪	۱۷۶٪ ۱۶۶٪ ۱۵۶٪	۲۴٪ ۳۴٪ ۴۶٪	۳٪ ۲۳٪ ۴۱٪	
	میانگین سهم مسئولیت در اجرای هدف اول							
	۲- رفع موانع اجتماعی مشتریان	۴ ماقبل ۵ حین ۶ مابعد	۴۸٪ ۳۱٪ ۱۱٪	۴۸٪ ۶۹٪ ۸۹٪	۱۷۳٪ ۱۶۶٪ ۱۵۵٪	۲۷٪ ۳۴٪ ۴۵٪	۲۲٪ ۲۱٪ ۲۵٪ ۴۴٪	
موانع سرمایه‌گذاری	۳- رفع موانع مدیریت و بازاریابی	۷ ماقبل ۸ حین ۹ مابعد	۲۱٪ ۱۹٪ ۶٪	۶۹٪ ۸۱٪ ۹۴٪	۱۸۱٪ ۱۵۸٪ ۱۶۲٪	۱۹٪ ۴۲٪ ۳۸٪	۵۰٪ ۲۷٪ ۵۶٪	
	میانگین سهم مسئولیت در اجرای هدف دوم							
	۴- رفع موانع استخدام عوامل	۱۰ ماقبل ۱۱ حین ۱۲ مابعد	۱۰٪ ۶٪ ۲٪	۹۰٪ ۹۴٪ ۹۸٪	۱۵۹٪ ۱۵۳٪ ۱۵۴٪	۴۱٪ ۴۷٪ ۴۶٪	۴۸٪ ۴۹٪ ۴۷٪ ۵۲٪	
میانگین سهم مسئولیت در اجرای هدف چهارم								
			۹۴٪	۹۴٪	۱۵۵٪	۴۵٪	۴۹٪	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

منابع

- 1- Audre' Nijsen, (2002), New Relationship Between Public and Private Spheres Socially Responsible Undertakings, chap 7, of Nijsen, AFM: Information Obligations in the Policy Chains of Dutch Constitutional State, EIM, Zoetemeer.
- 2- Ayele, S., J. Chataway, and D. Wield. 2006. Partnerships in African Crop Biotechnology. *Nature Biotechnology* 24(6): 619–621.
- 3- Canadian International Development Agency (2011), Stimulating Sustainable Economic Growth, CIDA's Sustainable Economic Development Strategy, PP1-7
- 4- Douglas Horton, Gordon Prain and Graham Thiele (2010), Perspectives on Partnership: a Literature Review, International Potato Center (CIP). Lima, Peru, Social Science Working Paper No. 2009-3 in (www.Cipotato.org/publications/publication.asp?cod=005251)
- 5- Egypt Program Support Unit(2011)/ Canadian International Development Agency Project (CIDA) <http://www.egyptpsu.com/english/sustainable-economic-growth>
- 6- Gerrard, M. B. 2001. Public–Private Partnerships. *Finance and Development* (September): 48–51.
- 7- Hagedoorn, J., A. N. Link, and N. S. Vonortas. 2000. Research Partnerships. *Research Policy* 29: 567–586.
- 8- Johanna Nesseth Tuttle 2012. Private–Sector Engagement in Food Security & Agricultural Development. A Report of Center for Strategic & International Studies Project on US Leadership in Development, March. 50 years charting our Futures
- 9- Linder, S. H. Coming to terms with the Public–Private Partnership. 1999. *American Behavioral Scientist* 43(1): 35–51.
- 10- Naseem, A., S. W. Omamo, and D. J. Spielman. 2006. The private Sector in Agricultural R&D: Policies and Institutions to Foster its Growth in Developing Countries. ISNAR Division Discussion Paper No. 6. Washington, D.C.: IFPRI.
- 11- Pardey, P. G., N. M. Beintema, S. Dehmer, and S. Wood. 2006. Agricultural Research: A Growing Global Perspective. *Public Performance and Management Review* 26 (2): 169–189.
- 12- Schaeffer, P. V., and S. Loveridge. 2002. Toward an Understanding of Types of Public–Private Cooperation.
- 13- Spielman, D. J., and K. von Grebmer. 2006. Public–Private Partnerships in International Agricultural Research. *Journal of Technology Transfer* 31 (1): 291–300.
- 14- Stefan Tangermann, 2010. Agricultural Trade 1980 vs. 2010: Some Progress but still Far to Go. Department of Agricultural Economics and Rural Development, University of Gottingen, Dec. 12,
- 15- US Department of Agricultural Economics Research Service: Data sets 2012. Foreign Agricultural Trade of the United States Value Set. value of US trade-agricultural, nonagricultural, and total and trade balance by fiscal Year. February 14, <http://www.ers.usda.gov/data/fatus>
- 16- USAID (United States Agency for International Development) Global Development Alliance. 2004. Tools for Alliance Builders. Washington, D.C.: USAID.